

بررسی مؤلفه‌های معنوی در معلولین با تجربه رشد پس از آسیب^۱

زینب شریعتی*

ابراهیم نعیمی**

آتوسا کلاتر هرمزی***

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی مؤلفه‌های معنوی در معلولین با تجربه رشد پس از آسیب بود. روش پژوهش کیفی و با استفاده از تحلیل محتوای کیفی انجام گرفت. مشارکت‌کنندگان معلولین ناشی از تصادف خودرویی بودند. شرکت‌کنندگان ابتدا توسط پرسش‌نامه رشد پس از آسیب (Tedeschi & Calhoun) ارزیابی شدند و سپس مورد مصاحبه نیمه ساختاریافته قرار گرفتند. داده‌ها با استفاده از کدگذاری باز و محوری منجر به ۸۳ کد باز و ۲۲ کد محوری شد. (اعتقاد به هدفمندی خلقت، امیدبخشی آخرت و اعتقاد به وجود حکمت الهی). این پژوهش درکی تازه از ابعاد رشد معنوی در افراد رشد یافته پس از آسیب در بافت فرهنگی و دینی ایرانی فراهم نمود. نتیجه این پژوهش نشان داد معلولیت در کنار محدودیت‌ها و مشکلاتی که برای فرد معلول ایجاد می‌کند، منجر به تغییرات و رشد معنوی در ابعاد مختلف می‌شود.

واژه‌های کلیدی: مؤلفه معنوی، رشد پس از آسیب، آسیب

مقدمه

حوادث آسیب‌زا همواره در کمین بشر است به طوری که تعداد زیادی از افراد در طول زندگی خود حداقل یک‌بار با آن مواجه می‌شوند (Zargham Hajebi, 2009). ضربه یا آسیب، حادثه‌ای است که می‌تواند چالشی جدی برای فرد ایجاد کند یا مؤلفه‌های مهم مفروضه‌های قبلی فرد در مورد دنیا را باطل کند (Allmon, Tallman & Altmaier, 2013). تجارب آسیب‌زا می‌توانند اثرات شدیدی بر افراد و جوامع برجای بگذارند (Shakespeare-Finch & Lurie-Beck, 2014). اختلال استرس حاد، اختلال استرس پس از آسیب و افسردگی به عنوان اثرات منفی یک تجربه آسیب‌زا به طور گسترده مورد بررسی قرار گرفته‌اند (Merecz, Waszkowska, & Wezyk, 2012). هرچند تحقیقات بسیاری در زمینه اثرات منفی آسیب‌ها صورت گرفته است اما توجه کمتری به پیامدهای مثبت آن‌ها شده است (Tedeschi & Calhoun, 1996). در سرتاسر تاریخ بشر موضوع تغییر مثبت متعاقب بلا یا مصیبت‌ها در ادبیات، مذهب و فلسفه دیده شده است (Joseph & Butler, 2010). با ظهور روان‌شناسی مثبت علاقه به مفهوم تغییر مثبت

۱. این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره توان‌بخشی دانشگاه علامه طباطبائی به شماره پژوهشی ۳۴۲۱۵۱ تاریخ

۱۳۹۶/۱۲/۱۵ می‌باشد.

* کارشناس ارشد مشاوره توان‌بخشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) zeinabsh1371@yahoo.com

** استادیار گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

*** استادیار گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

و رشد ناشی از بحران بیشتر شد (Park & Helgeson, 2006). این رشد که به رشد پس از آسیب معروف است به عنوان تغییرات مثبت تجربه شده تعریف می‌شود که نتیجه دست و پنجه نرم کردن با حوادث پر چالش زندگی است. تدسچی و کالهن (Tedeschi & Calhoun, 2004) این تغییرات را شامل بهبود روابط با دیگران، گشودگی نسبت به احتمالات جدید، قدردانی نسبت به زندگی، افزایش قدرت شخصی و تغییر معنوی می‌دانند (Peterson, Park, Pole, Andrea, & Seligman, 2008). تغییر معنوی مثبت یا همان رشد معنوی از جمله ابعادی است که تدسچی و کالهن از آن نام برده‌اند. اسویتون و پاتیسون (Pattison & 2001) stwinton, معنویت را جنبه‌ای از وجود انسان می‌دانند که به فرد انسانیت می‌دهد و به او برای مقابله با مسائل زندگی کمک می‌کند شهبازی راد، سپهوندی و رادمهر (Shahbazirad, Sepahvandi & Radmehr, 2014). معنویت احساس ارتباط با دیگران، داشتن معنی و هدف در زندگی، اعتقاد داشتن و رابطه با یک قدرت متعالی است رحمانیان، معین صمدانی و ارکی (Rahmanian, Moein, 2017). در دیدگاه اسلامی و قرآن، معنویت به همبستگی و رابطه شخصی با خدا منحصر می‌شود (Samaram, Hezarjaribi, Fadakar, Karami, & Shamsaee, 2013). پارگمنت، ماهونی و کرومری (Pargament, Mahoney, & Krumrei, 2009) معتقدند که آسیب می‌تواند به تغییرات معنوی مثبت منجر شود (Allmon, Tallman, & Altmaier, 2013). رشد معنوی در اینجا بیانگر تغییرات مثبت در زندگی معنوی و روحانی یک شخص پس از یک تجربه آسیب‌زا در زندگی است. درد و رنج می‌تواند به یک باور عمیق‌تر و تکیه بیشتر به معنویت و باورهای معنوی منجر شود (Walker, 2000). اگرچه در سال‌های اخیر پژوهش‌گران به طور نظام‌مند به درک و بررسی تغییرات مثبت پس از حوادث پرداخته‌اند و مشخص شده که رشد روان‌شناختی در افراد آسیب‌دیده شایع و رایج است (Christopher, 2004). برخی محققان توهمی بودن تغییرات مثبت را مطرح کرده‌اند. به این معنی که فرد در قبال تجارب بحرانی و تغییرات ناگهانی و شدید زندگی نیاز دارد تا دوام و ثبات درونی خود را حفظ کند و این تغییرات با یک تلنگر به حالت قبلی بازمی‌گردد (Shamkoeyan, Lotfi Kashani, Vaziri, & Akbari, 2014)؛ باین حال تحقیقات بسیاری نشان می‌دهد افرادی که رشد پس از سانحه را تجربه می‌کنند در ابعاد مختلفی مثل بعد معنوی تغییراتی را نشان می‌دهند که بر رفتار آن‌ها مؤثر بوده است؛ هم‌چنین در بیماران سرطانی عوامل معنوی با شیوه‌های مثبت کنار آمدن و رضایت بیشتر در زندگی رابطه دارد (Symonds et al., 2011). می‌توان گفت موانع و مشکلات به‌منزله فرصت‌های سازنده و عوامل رشد تلقی می‌شوند، به‌گونه‌ای که رنج، ناکامی و نقص و کاستی زمینه و بهانه‌ای برای عروج به مدارج کمال و طریق جبران این کمبودها است (Karimi, 2004). معنویت در واقع مکانیسمی است که باعث رشد پس از آسیب در افراد بحران‌زده می‌شود و موجب می‌گردد آن‌ها اهداف زندگی، اولویت‌ها و منابع معنی را مجدداً ارزیابی نمایند (Garlick, Wall, 2011). در دین اسلام هم اعتقاد بر این است که در فرآیند یک رویداد سخت خداوند بندگانش را می‌آزماید و این‌گونه رشد و کمال را برای مؤمنان فراهم می‌کند (Kaviani, 2013). در دین اسلام می‌توان معنویت را بر اساس نگرش‌های اسلامی بررسی کرد که دربرگیرنده مؤلفه و اصول مشخصی

است و در نظریات و اندیشه‌های محققین و اندیشمندان مسلمان از آن صحبت شده است. متأسفانه اطلاعات کمی در مورد تجربه این رشد در فرهنگ‌های شرقی و همین‌طور ایران در دسترس است رحمانی و همکاران (Rahmani et al., 2012). باین‌وجود برخی تحقیقات از تغییر معنوی ضعیف در افراد رشد یافته سخن می‌گویند مثل تحقیق موریس، شاکسپیرفینچ و اسکات (morris, Shakespeare-Finch, & Scott, 2012) که در آن تغییرات معنوی کمترین نمره را به خود اختصاص داد و در پژوهش دیگر تئودرسکی، سیکلونند، هیر، هاف، و نترتالارسن و لین (Teodorescu, siqlevand, Heir, Hauff, Wentzellarsen, & Lien, 2012) هم به یافته‌های مشابهی رسیدند. به نظر می‌رسد که بررسی ابعاد رشد پس از آسیب در جوامع مختلف متفاوت است و این مفهوم به زمینه اجتماعی و فرهنگی جمعیت مورد مطالعه وابسته است. لازم به ذکر است که برخلاف تحقیقات اشاره شده مثل تئودرسکی و همکاران (Teodorescu et al., 2012) در برخی مطالعات مانند پژوهش حیدرزاده (Heidarzadeh, 2014) بیشترین میزان رشد در بعد معنوی مشاهده گردید. به نظر می‌رسد بررسی ابعاد رشد معنوی با توجه به بافت فرهنگی و دینی ایران و هستی‌شناسی اسلامی می‌تواند ابهامات موجود در تغییر معنوی و در کل بخشی مفهوم رشد پس از آسیب را در بافت جامعه ما روشن سازد. در این پژوهش مبانی معنوی برگرفته از دیدگاه هستی‌شناسی اسلامی و پژوهش حیدرزاده (Heidarzadeh, 2014) مورد بررسی قرار گرفته است (هدفداری خلقت، پیوستگی جهان هستی، رابطه دنیا و آخرت، رابطه عمل و عکس‌العمل، تزکیه نفس، عمیق‌تر شدن باورهای معنوی و تقرب به خدا).

در زندگی هرکسی ممکن است با حوادث طاقت‌فرسا، ترسناک و خارج از کنترل روبه‌رو شود. جنگ، تجاوز، حوادث طبیعی، بیماری‌های مهلک و سوانح رانندگی از جمله بحران‌ها و حوادثی است که آدمی روزانه با آن مواجه می‌شود. از این میان مسأله تصادف‌های جاده‌ای به علت تعداد زیاد قربانیان و خسارت‌های قابل توجه ناشی از آن، به‌سادگی قابل گذشت نیست. دامنه اهمیت سوانح ترافیکی تا حدی است که سازمان بهداشت جهانی عنوان جاده‌های امن را برای روز جهانی بهداشت در سال ۲۰۰۴ توصیه کرد پدن (Paden, 2004). مسأله تصادف‌های جاده‌ای به علت تعداد زیاد قربانیان و خسارت‌های قابل توجه ناشی از آن، به‌سادگی قابل گذشت نیست. سوانح رانندگی در ایران همه‌ساله باعث مرگ و مصدومیت چندین هزار نفر شده و هزینه زیادی بر اقتصاد کشور تحمیل می‌کند (KarimiNik, 2013). گوجی (Goji, 2014) اعلام کرد که هر ساله ۳۰۰ هزار نفر بر اثر تصادفات به جمع معلولین کشور اضافه می‌شوند و علت ۹۰ درصد قطع نخاع‌ها در کشور ناشی از این سوانح است. حادثه رانندگی و مصدومیت یا معلولیت ناشی از این حوادث، زندگی انسان را به‌طور جدی مورد تهدید قرار می‌دهد و در هر کدام از تصادف‌ها تقریباً سه خانواده درگیر می‌شوند (Ansari, 2007). این حوادث نه‌تنها مستقیماً آسیب‌های جسمی برای افراد حادثه‌دیده به دنبال دارد بلکه به‌طور غیرمستقیم بر ابعاد روانی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌شناسی و انسانی فرد و کارکردهای خانواده تأثیر می‌گذارد (Hassan Nia, 2014). باین‌حال شواهد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد حوادث استرس‌زا و تهدیدکننده می‌تواند پیامدهای روانی مثبت داشته باشد و افراد حادثه‌دیده در مبارزه با حوادث رشد کنند. ابعاد رشد پس از آسیب در

جوامع مختلف متفاوت است (Heidarzadeh, 2014). به نظر می‌رسد بررسی ابعاد آن در جامعه ما و در نمونه‌های مختلف مثل معلولین و در آسیب‌های متفاوت مثل تصادف رانندگی که در کشور ما فراگیر است مفید و کاربردی باشد و جلوی بسیاری از پیامدهای منفی این حوادث را بگیرد یا به بهبود آن‌ها کمک کند. شناخت مفهوم رشد و ابعاد آن، اطلاعاتی را در اختیار ارائه دهنگان خدمات سلامت قرار می‌دهد که با استفاده از این اطلاعات می‌توانند به آسیب دیدگان کمک کنند تا بهتر با موقعیت تنش‌زا تطابق یابند و حتی رشد کنند. این تحقیق به دنبال پاسخ به این سؤال است که مؤلفه‌های معنوی در افراد رشد یافته بعد از آسیب چیست؟

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر کیفی (Qualitative) و به روش تحلیل محتوای کیفی انجام گردید. ۵۰ مشارکت‌کننده بزرگسال با معلولیت جسمی ناشی از تصادف خودرویی و بر اساس ملاک‌های ورود به پژوهش داشتن حداقل بیست سال سن، حداقل دو سال سابقه معلولیت و نمره بالاتر از ۵۵ در پرسش‌نامه رشد پس از آسیب به شیوه نمونه‌گیری هدفمند (purposive sampling) از دو مرکز ورزشی معلولین بررسی و در نهایت ۱۲ نفر (۷ مرد و ۵ زن) تا رسیدن به حد اشباع انتخاب شدند. یعنی، مصاحبه‌ها تا جایی ادامه پیدا کرد که داده جدیدی به دست نیامد و داده‌های قبلی در تحلیل مصاحبه‌های جدید مشاهده شد. انتخاب شرکت‌کننده‌ها بر اساس ملاحظات اخلاقی زیر صورت گرفت: ۱- اطلاعات مصاحبه‌شوندگان بدون ذکر نام و نام خانوادگی استفاده شد، ۲- رضایت آگاهانه از افراد گرفته شد و افراد با آگاهی و دریافت توضیحاتی در مورد پژوهش به مصاحبه رضایت دادند، ۳- در مورد محرمانه بودن اطلاعات به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد، ۴- شرکت‌کنندگان آزاد بودند در صورت تمایل هر زمان که مایل بودند از فرآیند پژوهش خارج شوند و ۵- به خاطر رعایت شأن انسانی از واژه شرکت‌کننده به‌جای آزمودنی استفاده شد.

ابزار اندازه‌گیری

پرسش‌نامه رشد پس از آسیب (Posttraumatic Growth Inventory): این پرسش‌نامه توسط تدسچی و کالهون (Tedeschi & Calhoun, 1996) طراحی شده و شامل ۲۱ ماده و پنج حیطه رویارویی با آسیب یا بحران (احتمالات جدید، ارتباط با دیگران، قدردانی از زندگی ارزش‌گذاری به زندگی و قدرت، تغییرات معنوی) است. ماده‌های این ابزار بر اساس یک طیف لیکرت ۶ رتبه‌ای تنظیم شده است نه به‌طور کلی. (تا حد بسیار کمی ۱، تا حد کمی ۲، تا حد متوسط ۳، تا حد زیادی ۴، تا حد بسیار زیادی ۵). دامنه نمرات این پرسش‌نامه از صفر تا ۱۰۵ است که نمره بالاتر نشان‌دهنده رشد پس از آسیب است تدسچی و کالهون (Tedeschi & Calhoun, 2006). حیدرزاده، رسولی، محمدی‌شاه‌بلاغی،

علوی‌مجد، میرزایی و طهماسبی (Heidarzadeh, Rassouli, Mohammadi Shahbolaghi, Alavi, Majd, Mirzaee, & Tahmasbi, 2015) ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسش‌نامه ۰/۸۷ و در مؤلفه‌های پنج‌گانه از ۰/۵۷ تا ۰/۷۷ و ضریب باز آزمایی (با فاصله ۱ ماه) ۰/۷۵ گزارش کرده‌اند.

مصاحبه نیمه ساختار یافته: برای جمع‌آوری داده‌ها نیز از مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده شد؛ یعنی به پاسخگو آزادی عمل بیشتری داده شد تا در اطراف موضوع بحث کند. مصاحبه نیمه ساختار یافته اجازه پرداختن به ایده‌های جدید را به مصاحبه‌شونده می‌دهد و مصاحبه‌کننده چارچوب کلی مصاحبه را مشخص می‌کند و با سؤالات کلی همراه است (Fathiazar, Golparvar, Mirnasab, & Vahedi, 2016).

روند اجرای پژوهش

برای اجرای مصاحبه به مشارکت‌کنندگان مراجعه می‌شد و بعد از معرفی مصاحبه‌کننده، توضیح مختصری در مورد اهداف مصاحبه و کلیت موضوع به شرکت‌کننده‌ها ارائه می‌شد و رضایت آگاهانه از آن‌ها دریافت می‌شد. به آن‌ها اطمینان داده می‌شد که اطلاعات و محتوای مصاحبه‌ها محرمانه و بدون ذکر نام محفوظ می‌ماند و به هر مشارکت‌کننده یک کد ارائه می‌گردید. مصاحبه‌کننده بعد از برقراری رابطه حسنه و کسب اطلاعات اولیه، سؤالات کلی که در طول مصاحبه طراحی و اصلاح شده بود را می‌پرسید و در مواقع لزوم و جهت دستیابی به جزئیات بیشتر و اطلاعات دقیق‌تر از سؤالاتی که کاوشگرانه مانند "می‌توانید در این مورد بیشتر توضیح دهید؟"، "می‌توانید منظورتان را واضح‌تر بیان کنید؟" و "لطفاً مثالی از تجربه خود بیان کنید" استفاده می‌شد. سؤالات به ترتیب پرسیده نمی‌شوند و با توجه به مضمون صحبت‌های شرکت‌کننده سؤالات بعدی از بین سؤالات طراحی شده انتخاب می‌گردیدند. هر مصاحبه ۴۰ تا ۴۵ دقیقه به طول می‌انجامید. سؤالات مصاحبه شامل ۱- بعد از حادثه نگرش و افکار شما در مورد خدا و نظام خلقت چگونه است، ۲- در ادیان مختلف اعتقاد به دنیایی بعد از این دنیا و جایی برای حسابرسی به اعمال وجود دارد؟ نظر شما در این مورد چیست؟ ۳- پیوستگی در جهان هستی و ارتباط بین اعمال ما و اعمال دیگران و تأثیر آن‌ها بر دنیا از نظر شما چگونه است؟ ۴- نظر شما در مورد قانون عمل و عکس‌العمل چیست و چقدر در زندگی عملی را به عمل دیگر ربط می‌دهید؟ ۵- بعد از حادثه خودارزیابی و بررسی فرآیند رشد در شما چه تغییری کرده است؟ ۶- بعد از حادثه رابطه شما با خدا تغییر کرده و این رابطه چه کمکی به شما کرده است؟ و ۷- بعد از حادثه باورهای معنوی شما و ارتباطاتان با دنیای معنوی چگونه شده است؟

تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوا استفاده شد. این روش تحلیل بر پایه شناسایی و تعیین مقوله‌های شاخصی از محتوای موجود در متن و بررسی رابطه میان این مقوله‌هاست (Talebzade, Monadi, Khademi & Khamesan, 2016) از میان رویکردهای تحلیل محتوای کیفی از رویکرد

عرفی استفاده شد که در آن از به کار گرفتن مقوله‌های از پیش فرض شده پرهیز شده است و مقوله‌ها از طریق استقراء و از داده‌ها ظهور پیدا می‌کنند. امتیاز بارز تحلیل محتوای کیفی با رویکرد عرفی به دست آوردن اطلاعات مستقیم از پژوهش، بدون تحمیل کردن مقوله یا نظریه‌های از پیش مشخص شده است. واحد تحلیل، بررسی متن هر یک از مصاحبه‌های انجام شده بود. فرآیند کدگذاری در دو مرحله کدگذاری‌های باز و محوری با هدف شناسایی و تشکیل کدها و طبقات انجام شد. نخست متن هر مصاحبه چند بار خوانده شد تا درک از متن به دست آید. سپس کدگذاری باز انجام شد، یعنی، متن به واحدهای معنادار که اغلب شامل یک یا دو جمله بودند تقسیم شد. این واحدها خلاصه و کدها حاصل گردیدند. سپس در مرحله کدگذاری محوری، کدهای به دست آمده بارها مرور شدند و بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌های مفهومی ذیل طبقات قرار گرفتند.

جهت تضمین قابلیت اطمینان و کفایت داده‌ها (معادل پایایی و روایی در تحقیقات کمی)، از روش بازبینی مشارکت‌کنندگان و نظارت متخصصان استفاده شد. در روش اول از شرکت‌کنندگان در پژوهش خواسته شد تا یافته‌های مطالعه را ارزیابی و نظر خود را در مورد نتایج به دست آمده بیان کنند. و در روش دوم نیز متن مصاحبه‌ها برای بررسی دقیق‌تر کدگذاری، مفهوم‌سازی و استخراج مقولات به چند متخصص ارائه گردید. تحلیل داده‌ها در این مرحله به ۲۲ مؤلفه معنوی برای افراد رشد یافته پس از آسیب منجر شد.

یافته‌ها

کدگذاری

طبقات (کدگذاری محوری)	کدها (کدگذاری باز)
اعتقاد به هدفمندی خلقت	۱ هدف‌دار بودن آفرینش، بیهوده نبودن آفرینش رشد و کمال به‌عنوان هدف خلقت، در نظر گرفتن خداوند به‌عنوان کمال واقعی، رسیدن به خدا به‌عنوان هدف آفرینش، نزدیکی به خدا به‌عنوان هدف خلقت، خودشناسی عامل درک هدف خلقت
اعتقاد به اهدافی غیرمادی برای خلقت	۲ اعتقاد به حکمت‌مندی آفرینش، تردید در تنبیه یا حکمت بودن سانحه از جانب خدا، مخالفت با تنبیه الهی دانستن سانحه، نجات از اتفاق بدتر به‌عنوان حکمت سانحه، نجات از سرنوشتی بدتر به‌عنوان حکمت معلولیت، نزدیکی به خدا به‌عنوان حکمت معلولیت، اعتقاد به وجود حکمت در سانحه
اعتقاد به وجود حکمت الهی	۳

طبقات (کدگذاری محوری)	کدها (کدگذاری باز)
اعتقاد به خیرخواهی خدا برای بنده	بی‌ضرر بودن معلول به‌عنوان نقطه‌ای مثبت برای معلول، وجود خیر و صلاح فرد در سانحه، معلولیت نشانه عشق خدا به فرد
درک معلولیت به‌عنوان امتحان الهی	هدف از سانحه امتحان فرد از جانب خدا، رسیدن به خدا به‌عنوان هدف امتحان الهی
اعتقاد به معاد	اعتقاد به وجود آخرت، اعتقاد به دائمی بودن آخرت و گذرا بودن دنیا، بی‌اعتقادی اولیه نسبت به آخرت بعد از تصادف و بازگشت اعتقاد به‌مرور، بیشتر شدن اعتقاد به آخرت
یاد آخرت	بیشتر شدن یاد آخرت بعد از تصادف، یاد آخرت عامل مراقبت از اعمال، تجربه مرگ عامل هوشیاری نسبت به آخرت
اعتقاد به حسابرسی اعمال	اعتقاد به دیدن نتیجه اعمال در آخرت، اعتقاد به دیدن نتایج اعمال نیک در آخرت تا ده برابر، اعتقاد به دار مکافات بودن دنیا و دیدن نتایج برخی کارهای خوب و بد در همین دنیا، مکافات نبودن معلولیت
امیدبخشی آخرت	باور به جبران سختی‌های معلولیت در آخرت عامل امیدواری معلول، گذرا بودن دنیا و ابدی بودن آخرت عامل امیدواری معلول، جبران صبر در برابر صلاح خدا در آخرت عامل امیدواری معلول
اعتقاد به وجود پیوستگی و ارتباط در جهان	اعتقاد به وجود ارتباط بین اتفاقات این دنیا، اعتقاد به وجود ارتباط بین آدم‌ها و زندگی‌هایشان، عدم درک ارتباط بین برخی اتفاقات
وجود نظم و برنامه‌ای از جانب خدا در پیوستگی‌ها	وجود برنامه و نظم در امور جهان، وجود حکمت در توالی و نظم اتفاقات
تأثیر عمل بد و خوب ما بر زندگی خودمان و دیگران	تأثیرگذاری آدم‌ها بر دیگران و دنیا، اثرگذاری هر شخصی به‌اندازه خودش، وجود اثرات مثبت و منفی، تأثیر عمل بد و خوب ما بر زندگی خودمان و دیگران
درک معلولیت در قالب اثر و مؤثر	تأثیر معلولیت بر زندگی معلول و اطرافیان، معلولیت به‌عنوان اثر دیگران بر زندگی معلول، معلولیت به‌عنوان اثر مثبت بر زندگی معلول و عامل رشد و پختگی، اثر مثبت معلولیت بر زندگی معلول و اطرافیان

طبقات (کدگذاری محوری)	کدها (کدگذاری باز)
اعتقاد به وجود قانون عمل و عکس العمل در جهان	۱۴ اعتقاد به وجود عمل و عکس العمل، همراهی عمل خوب با عکس العمل خوب و عمل بد با عکس العمل بد
اعتقاد به ناتوانی در درک تمام عمل و عکس العمل ها و پذیرش این ناتوانی	۱۵ عدم درک و فهم برخی عمل و عکس العمل ها، تناسب نداشتن برخی عمل و عکس العمل ها و عدم درک آن ها، تناسب نداشتن برخی عمل و عکس العمل ها و عدم درک آن ها
وجود عکس العمل های متنوع و متفاوت	۱۶ غیرمستقیم بودن برخی عکس العمل ها، پنهان بودن برخی عکس العمل ها، فوری نبودن برخی عکس العمل ها، موکول شدن برخی عکس العمل ها به آخرت
تغییر در کل هویت شخص معلول	۱۷ تغییر کلی در زندگی و شخصیت، تغییر اهداف و ارزش ها
ظهور تغییرات مثبت شخصیتی، اخلاقی و رفتاری در معلول	۱۸ بهبود رفتار و ارتباط با خانواده، تلاش برای تغییر در راستای تعالی و پختگی، افزایش صبر، افزایش اراده و قدرت شخصی، فهم قدرتمندی خدا، افزایش بخشندگی، کاهش اولیه حوصله بعد از تصادف و بهبود آن در طول زمان، افزایش حساسیت و رنجوری بعد از حادثه و بهبود آن به مرور زمان، بداخلاقی اولیه بعد از حادثه و بهبود آن در طول زمان، درک بی ارزشی برخی مسائل به دلیل کاهش حساسیت ها و زودرنجی ها، تغییر در رفتارهای منفی
افزایش خودنظارتی	۱۹ بررسی و مرور زندگی گذشته، زندگی کردن دقیق تر، بررسی و مراقبت بیشتر از اعمال، بررسی شخصیت قبل از معلولیت
بهبود کیفیت رابطه با خدا	۲۰ بهتر شدن رابطه با خدا بعد از تصادف، عمیق تر شدن رابطه با خدا، بیشتر شدن درد و دل و صحبت با خدا، قهر با خدا بعد از تصادف و آشتی با او طی زمان
وجود تسهیل گرهای ارتباطی در رابطه با خدا در زندگی معلول	۲۱ نیاز به خدا در سختی و تنهایی عامل عمیق شدن و بهتر شدن رابطه با او، بیشتر شدن زمان برای با خدا بودن و عبادت به عنوان عامل بهتر شدن رابطه، مهربانی و یاری گری خدا به عنوان عامل بهتر شدن رابطه معلول با خدا

کدها (کدگذاری باز)	طبقات (کدگذاری محوری)
قوی‌تر و عمیق‌تر شدن اعتقادات معنوی، لطف خدا عامل افزایش اعتقادات معنوی، افزایش اعتقادات معنوی بر اثر دیدن نشانه‌های الهی، لمس اعتقادات معنوی در زندگی، اعتقادات معنوی عامل امیدواری معلول	ظهور تغییرات مثبت در اعتقادات معنوی

مؤلفه‌های معنوی

اعتقاد به هدفمندی خلقت: همین که برای ذهن هر انسانی این سؤال مطرح می‌شود که «من و ما و این عالم برای چه خلق شده‌ایم؟»، خود گواه بر آن است که نظام خلقت بیپرده و عبث آفریده نشده است. داشتن هدف و معنا در زندگی از جمله مواردی است که به افراد در فرآیند رشد کمک می‌کند.

"به نظر من وقتی همه آدم‌ها توی زندگی هدفی دارن پس خدا هم از آفریدن ماها هدفی داره" (کد ۳)

اعتقاد به اهدافی غیرمادی برای خلقت: فردی که فرآیند رشد پس از آسیب را طی کرده است با تمام وجودش بیهودگی اهداف مادی و موقتی قبلیش را درک می‌کند و اهداف فرا مادی و کامل برای خود و زندگی در نظر دارد.

"هدف خلقت از نظره من کماله، خدا میخاد بهمون فرصت رشد بده که بشیم همون اشرف مخلوقات که خودش گفته" (کد ۶)

اعتقاد به وجود حکمت الهی: افراد رشد یافته خداوند را حکیم می‌خواندند یعنی برای هر فعلی که از جانبش صادر می‌شود دلیل و حکمتی وجود دارد. این اعتقاد صبر و بردباری آن‌ها افزایش داده و فرآیند رشد را برایشان تسهیل می‌کند.

"اینکه بعضیا میگن ما حتماً گناهی کردیم که این جوری شدیم این رو قبول ندارم، اینکه هدف خدا از این اتفاق تنبیه ما بوده، هر اتفاقی که خدا در این مسیر برای ما پیش میاره مثله این تصادف، حکمتی در اون هست" (کد ۱)

"خوب اینکه من رو معلول کرده دلیل و حکمتی داره که من همش رو نمی‌فهمم، شاید معلولیت من رو به خدا نزدیک‌تر میکنه" (کد ۶)

اعتقاد به خیرخواهی خدا برای بنده: تجربه فرآیند رشد، مثبت اندیشی را نیز در فرد رشد می‌دهد و نگاهی نو و پر از نیکی به او عطا می‌کند. همان‌طور که برخی افراد شرکت‌کننده معتقد بودند معلولیت پیامی بوده از جانب خدا تا آن‌ها شیوه زندگی‌شان را تغییر دهند و معلولیت را خیر و لطف خدا می‌دانستند.

"من معتقدم خدا اونهایی رو که بیشتر دوست داره، بیشتر سختی و زحمت میده، مثله معلولیت من"
 "خیر و صلاح من در این اتفاق بوده، شاید قراره توی این راه به چیزایی برسم که اگر سالم بودم نمی‌رسیدم" (کد ۷)

درک معلولیت به عنوان امتحان الهی: بعضی از شرکت کنندگان به امتحان الهی معتقد بودند و هدف بیماری خود را آزمون الهی و عده‌ای هم آن را سیلی خدا برای بازگشت به مسیر می‌دانستند. ممتحن برای رشد و کمال فرد او را امتحان می‌کند و به چالش می‌کشد و اگر سربلند از آزمون گذر کرد درجه‌ای بالاتر به او عطا می‌کند.

"خدا سختی بهمون میده و امتحانمون می‌کنه تا به خودش برسیم و رشد کنیم" (کد ۲)

اعتقاد به معاد: افراد رشد یافته اغلب تجربه نزدیک به مرگ داشته‌اند و سلامت آن‌ها به خطر افتاده است.. همه این‌ها اغلب معاد و اعتقاد به آن را پررنگ‌تر می‌کند. شاید عده‌ای طی مراحل بحرانی که پس از سانحه تجربه می‌کنند یا حتی در مراحل سوگواری برای عضو از دست داده، کش و قوس‌هایی در زمینه اعتقاد به معاد تجربه کنند ولی در نهایت فردی که مراحل رشد را طی می‌کند اغلب به وجود دنیایی دیگر معتقد است و وجود چنین روزی به او امید می‌دهد.

"نمیشه که ما این همه آدم به دنیا بیاییم و هیچ آخرتی وجود نداشته باشه" (کد ۵)

"شاید بشه بگم تا دو سال بعد از حادثه همه اعتقاد به آخرت رو از دست داده بودم ولی بعد کم کم بهتر شدم، خدا خودش نشانه‌ها و آدم‌هایی سره راهم قرار داد که خوب بشم، برگردم به اعتقادتم" (کد ۱۰)

افزایش یاد آخرت: مرگ‌اندیشی و توجه به مرگ و دنیای پس‌ازآن موضوعی است که افراد آسیب‌دیده بیشتر با آن مواجه هستند. تصادف و خطری که به قول شرکت کنندگان از بیخ گوش آن‌ها گذشته بود بعد از مدت‌ها و شاید تا آخر عمر مرگ را برای آن‌ها یادآوری خواهد کرد. این تفکر که شاید مرده بودند و زندگی فرصت و هدیه‌ای است که خدا دوباره به آن‌ها داده است، منجر می‌شود بیشتر به آخرت فکر کنند.

"انگار وقتی یه بار مرگ رو تجربه بکنی بیشتر یادت می‌مونه آخرت هست، مخصوصاً وقتی همیشه این ویلچر همراهته" (کد ۳)

اعتقاد به حسابرسی اعمال: مقوله حسابرسی به اعمال به رشد معنوی و شخصیتی فرد آسیب‌دیده کمک شایانی می‌کند. زمانی که انسان به معاد معتقد باشد و دائماً به یاد آن باشد خود را برایش آماده می‌کند. این آماده شدن منجر به خود نظارتی، تزکیه نفس و اصلاح اخلاق و رفتار می‌شود که می‌تواند رشد پس از آسیب را تسریع و تقویت کند.

"هرچی کاره خوب و بد بکنی توی اون دنیا جوابشو می‌گیری، آگه کاره خوبی بکنی خدا پاداشش رو میده حتی گفته ده برابر میدم و آگه گناهی بکنیم هم این دنیا و هم اون دنیا عاقبتش رو می‌بینیم" (کد ۸)

امیدبخشی آخرت: باور به جبران سختی‌های معلولیت و جبران صبر در برابر صلاح خدا در آخرت از جمله مواردی بود که به معلولین شرکت‌کننده در پژوهش امید می‌بخشید. هم‌چنین اعتقاد به گذرا بودن دنیا و وجود آخرت هم این امیدبخشی را برای آن‌ها به همراه داشت.

"من فکر می‌کنم تنها چیزی که ماها را با این وضعیت نگه میداره و امیدی برامون هست به خاطره وجود آخرته" (کد ۴)

"اینکه می‌دونم این دنیا می‌گذره و آخرت همیشگی هست سختی معلولیت رو کاهش میده و امیدوارتر میشم" (کد ۱۱)

اعتقاد به وجود پیوستگی و ارتباط در جهان: افراد رشد یافته وحدت در هستی را می‌بینند و درک می‌کنند و وجود نظم و یکپارچگی برای آن‌ها وسیله ایجاد یک سازمان فکری و جهان‌بینی مستحکم می‌شود که در ایجاد امنیت مؤثر است و از آن‌ها در بسیاری از آشفتگی‌ها و تنش‌های زندگی محافظت می‌کند

"اتفاقایی که توی این دنیا میفته به هم ربط داره، من بارها عملاً دیدم چقدر ما و زندگی هامون به هم ربط داره و ما جزئی از این کل هستیم" (کد ۹)

وجود نظم و برنامه‌ای از جانب خدا در پیوستگی‌ها: اعتقاد به وجود نظم و برنامه در این دنیا و اتفاقات پیش‌بینی‌نشده آن به فرد بحران‌زده آرامش می‌دهد و هم‌چنین روشی برای تبیین بحران پیش‌آمده است.

"خدا همه اتفاقاتی که پشت سرهم رخ میده را برنامه‌ریزی می‌کنه، حتماً حکمتی بوده که این همه اتفاق پشت سر هم جور شده و من معلول شدم" (کد ۲ و ۱۲)

تأثیر عمل بد و خوب ما بر زندگی خودمان و دیگران: این اعتقاد به فرد احساس کنترل و مدیریت می‌دهد. اثرات مثبت می‌تواند فرد را امیدوار کند و در مورد اثرات منفی هم امید به جبران و ایجاد اثر مثبت وجود دارد. حتی این موضوع که فرد رشد یافته به اثر منفی خود بر زندگی‌اش اشاره می‌کند بیانگر این موضوع است که او نقش انفعالی خود و مقصر دانستن دیگران را قبول ندارد و نقش فعال را قبول کرده است.

"من با اینکه خیلی از خونه بیرون نمیام میتونم با اثر گذاشتن روی اطرافیانم باعث بشم اون‌ها روی عده‌ای دیگه اثر بگذارند و به ترتیب جلو بره، هیچ‌کس نمیتونه خودشو از بقیه جدا بدونه و بگه من هر کاری بکنم به خودم مربوطه، من کسی رو به خاطر این اتفاق مقصر نمی‌دونم" (کد ۱۰)

درک معلولیت در قالب اثر و مؤثر: درک معلولیت و سختی‌های حاصل از آن به‌عنوان عامل رشد و پختگی منجر می‌شود فرد معلول به معلولیت به‌عنوان یک اتفاق خوب بنگرد و بیشتر اثرات مثبت آن بر زندگی‌اش را ببیند. در واقع، این مقوله برای فرد چارچوبی فراهم می‌کند تا با آن چالش پیش روی خود را با نگاهی مثبت تفسیر کند. در برخی موارد هم فرد معلولیت را اثر عمل خود یا دیگران قلمداد می‌کرد.

"حس می‌کنم از سن خودم پخته‌تر هستم و از زندگی درس گرفتم، این سختی‌ها انگار منو پخته کرده و بزرگم کرده" (کد ۴)

اعتقاد به وجود قانون عمل و عکس‌العمل در جهان: زمانی که شرکت‌کننده عملی مسئولانه انجام می‌دهد اما واکنش و نتیجه‌ای منفی را تجربه می‌کند در حفظ باور خود پیرامون عادلانه بودن جهان می‌گوید این خواست خدا و اراده اوست و ما به آن احترام می‌گذاریم. حتی در مواردی که عمل

غیرمسئولانه با نتیجه منفی همراه بود آن‌ها خشم خدا را درست و به‌جا می‌دانستند و آن نتیجه منفی را راحت‌تر تحمل می‌کردند. به‌علاوه آن‌ها انتظار ندارند یک واکنش سریع اتفاق افتد.

"عملی که انجام میدیم خب واکنش و عکس‌العملی به همراه داره، پیش خودم گفتم اون روز که اون کار را کردی، الآن این عکس‌العمل همون کاره و شاید نه به عمل دیگه مربوطه" (کد ۷)

اعتقاد به ناتوانی در درک تمام عمل و عکس‌العمل‌ها و پذیرش این ناتوانی: پذیرش

عدم درک تمام عمل و عکس‌العمل‌ها منجر می‌شود فرد تنش حاصل از یک موقعیت مبهم و غیرقابل کنترل را کاهش دهد. فردی که تصادف کرده و نمی‌داند این عکس‌العمل نتیجه کدام عمل است و از طرفی به دنیای عادلانه و خدای عادل معتقد است با پذیرش این موضوع که او گاهی برخی مسائل را درک نمی‌کند تنش را کاهش داده و فرآیند رشد را تسریع می‌کند

"بعضی وقت‌ها خب اشتباهی فکر می‌کنیم یه اتفاق نتیجه یه کاریه که قبلاً انجام دادیم بعد یقه خدا رو می‌گیریم اما خب عمل و عکس‌العمل چیزیه که ما با چشم خودمون می‌بینیم بعضیاشو و خیلی‌هاشو هم نمی‌بینیم و نمی‌تونیم درک بکنیم" (کد ۱۲)

وجود عکس‌العمل‌های متنوع و متفاوت: افراد رشد یافته می‌توانند عدم تناسب عمل و

عکس‌العمل، پنهان بودن برخی از آن‌ها، وجود فاصله زمانی بین این دو و متنوع بودن عکس‌العمل‌ها را درک کرده و برای خود توجیه کنند.

"خیلی وقت‌ها مدتی طول میکشه تا عکس‌العمل کارمونو ببینیم، عکس‌العمل‌ها شاید به شکلی باشه که ما نبینیم یا نفهمیم" (کد ۸)

تغییر در کل هویت شخص معلول: افراد رشد یافته به تغییر کلی خود اشاره کردند. رشد زمانی

اتفاق می‌افتد که فرد هم‌زمان با درون‌سازی اطلاعات مرتبط با حادثه ساختارهای خود را درجهت مثبت برون‌سازی کند؛ در این فرآیند است که هویت فرد تغییر می‌کند

"الآن خیریه داریم با یکی از دکترایی که من تحت نظرش درمان می‌شدم و کلاً روال زندگیم عوض شده. قبلاً مهندس ساختمان بودم، حالا خیلی زندگی خودمو عوض کردم، هدف هام یک‌چیزهای دیگه بود که الآن کم‌ارزش هست در نظرم" (کد ۱۱)

ظهور تغییرات مثبت شخصیتی، اخلاقی و رفتاری در معلول: شرکت‌کنندگان بیان کردند

در فرآیند رشد اولویت‌ها و اهداف درون‌ذهنی خویش را نیز تغییر داده‌اند و اندیشه‌های نو‌جایگزین اندیشه‌های قبل کردند. رشد پس از آسیب مجموعه تغییراتی است که فرد در مواجهه با آسیب و در فرآیند سازگاری و انطباق به آن دست می‌یابد. زمانی که فرد دچار سانحه تصادف می‌شود و معلولیت به سراغ او می‌آید، خواه ناخواه به منی تغییر یافته دست پیدا می‌کند، چراکه بدن و تصویر بدن در فرآیند هویت‌سازی بسیار مؤثر است.

"فکر می‌کنم بعضی رفتارهای بدم را ترک کردم، بعضی هاش رو حتی وضعیتم بهم اجازه نمی‌ده" (کد ۶ و ۳)

"به هر چون کندی بود خودم شروع کردم کارهامو بکنم، تا حالا چنین اراده‌ای ندیده بودم در خودم، انگار یکی دیگه شده بودم" (کد ۵)

افزایش خودنظارتی: بیماری تلنگری به بیمار است که او را وادار می‌کند تا به ارزیابی خود بپردازد و نقاط مثبت و منفی خویش را بنگرد و سعی نماید برای زندگی باقی‌مانده به برطرف کردن نقاط منفی خود بپردازد.

"بیشتر حواسم به خودم هست و انگار با دقت بیشتری زندگی می‌کنم" (کد ۱)

"بیشتر فکر می‌کنم که چه راهی رو گذروندم، الان چجوری هستم و چقدر تغییر کردم" (کد ۱۰)

بهبود کیفیت رابطه با خدا: شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر علاوه بر بیان نزدیکی به خدا و عمیق‌تر شدن رابطه با او به کش‌وقوس‌های این رابطه هم اشاره کردند و بیان کردند بعد از حادثه مدتی با خدا قهر بودند ولی در طول زمان آشتی کردند و رابطه بهتر شکل دادند. وقتی افراد معتقدند منبعی از قدرت و انرژی وجود دارد که آن‌ها را دوست دارد و می‌تواند به آن تکیه کنند، احساس خودمهارگری بر وقایع پیدا می‌کنند و کمتر دچار احساس ترس و نگرانی از عواقب بیماری می‌شوند.

"من خدا رو فقط تو نماز و روزه می‌دیدم الآن هر نفسی که می‌کشم خدا رو توش لمس می‌کنم" (کد ۹)

"خودمم می‌فهمیدم قهر کردن با خدا مسخرس. آدم مگه غیر خدا کیو داره که صداش بزنه و ازش کمک بخواد، بیشتر از قبل تصادم باهاش حرف می‌زنم" (کد ۱۲)

وجود تسهیل‌گرهای ارتباطی در رابطه با خدا در زندگی معلول: شرکت‌کنندگان معلول در پژوهش ما بیان کردند یاری‌گری و مهربانی خدا و تکیه‌گاه بودن او زمان تنهایی و مصیبت از عواملی می‌باشد که رابطه آن‌ها با خدا را بهبود داده است. همچنین برخی از آن‌ها بیان کردند معلولیت موجب شده وقت بیشتری برای رابطه با خدا داشته باشند.

"آدم وقتی درد می‌کشه با تمام وجود به خدا نیاز داره و او را صدا می‌زنه" (کد ۴ و ۲)

"میتونم بگم حتی چون معلول هستم بیشتر وقت آزاد دارم که با خدا حرف بزنم با اون خلوت کنم" (کد ۷)

"خدا توی موقعیت‌های عجیبی به دادم رسیده؛ این‌ها بهم فهموند تنها یار و کمک‌کننده من خداست" (کد ۱۲)

ظهور تغییرات مثبت در اعتقادات معنوی: معلولین شرکت‌کننده در مصاحبه عمیق شدن باورهای معنوی را مطرح کردند و لطف خدا و دیدن نشانه‌ها و معجزات الهی را از جمله علل این تغییر معنوی می‌دانند. اگرچه اکثر معلولین در مراحل اولیه بحران دید منفی نسبت به خدا داشتند و از او به قول خودشان طلبکار بودند اما لطف خدا، دیدن معجزات و امدادهای غیبی و غیرقابل‌باور او در فرآیند بیماری و معلولیت نگذاشته آن‌ها از حریم پروردگار دور شوند و حتی نزدیک‌تر هم بشوند.

"نوی چند سال اخیر هم اعتقاداتم قوی تر شده و هم از این اعتقادات کمک گرفتم و خیلی در زندگی‌ام جواب داده است" (کد ۵، کد ۱۰ و کد ۱۱)

بحث

همان‌طور که مشاهده شد این ۲۲ کد محوری؛ مؤلفه‌های معنوی افراد رشد یافته پس از آسیب را تشکیل دادند. برخی نتایج به‌دست‌آمده تا حدودی با نتایج موجود در تحقیقات گذشته همسو است. همان‌طور که در معلولین مورد بررسی مشاهده شد گذر از سختی‌ها و بحران‌ها و مشاهده نشانه‌ها، حکمت‌های پنهان و آشکار و معجزات الهی موجب می‌شود فرد این اتفاقات را نتیجه هدفمندی و در راستای آن بدانند. در پژوهش استیل و کوبان (Steele & Kuban, 2011) بیان شد که اعتقاد به هدفمندی زندگی و معناداری آن از ویژگی افراد رشد یافته پس از آسیب است. انسان رنج‌دیده در فرآیند رشد، زمانی که در خود و خلقت می‌نگرد به این نتیجه می‌رسد که خالق او قطعاً در خلقت هدف والایی در نظر داشته است. در این صورت اهدافی همچون رشد و کمال، تقرب و وصل الهی به‌عنوان اهداف آفرینش قرار می‌گیرد و آدمی در راستای آن تلاش کرده و رشد می‌کند. بافت دینی و فرهنگی جامعه مورد پژوهش نیز در این هدف‌گزینی غیرمادی و خدامحور مؤثر بوده است. در پژوهش حیدرزاده (Heidarzadeh, 2014) و نیوبری بروکس (NewberryBrooks, 2012) افراد رشد یافته بیان کردند که قطعاً حکمت و خیری در پس این اتفاقات بوده است. آن‌ها خداوند را حکیم می‌دانستند و نزدیکی و رسیدن به خدا، نجات از سرنوشت بدتر و تغییر مسیر زندگی را حکمت حادثه آسیب‌زا می‌پنداشتند. حکیم دانستن خدا هم نتیجه گذر از بحران‌ها و دیدن حکمت پنهان در پس اتفاقات بود و هم می‌توانست افراد را به آینده‌ای بهتر امیدوار کند. هم‌چنین خیرخواه دانستن خدا و دیدن جنبه‌های مثبت حادثه راه دیگری است که افراد رشد یافته در مسیر رشد برای مفهوم‌سازی هدف و حکمت سانه انتخاب کرده بودند. گریسپ (Grisp, 2008) بیان کرد افرادی که مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفته‌اند سؤال‌های چالش‌برانگیزی را در مورد خیرخواه بودن پروردگار در ذهن می‌پروراند که تلاش آن‌ها برای یافتن پاسخ می‌تواند منجر به تجربه‌ای معنوی گردد. بٹ وردل، دی- لیاکو، کیاروچی، ویکس و برسفور (Beth Wardle, Dy-Liacco, Ciarrocchi, Wicks & Breslford, 2014) بیان کردند که خیرخواه دانستن خدا بیشترین تأثیر را بر رشد پس از آسیب داشته است. در ادامه توضیح و تبیین کدها باید گفت در بافت فرهنگی جامعه مورد مطالعه امتحان دانستن یک سختی و بحران هم کمکی است برای گذراندن موفق آن بحران و هم امید و انگیزه‌ای است برای پیروز شدن در آن. سید باقری، دهقان، علوی، ایرانمنش و خوشاب (Seyed bagheri, Dehghan, Alavi, Iranmanesh, & Khoshab, 2017) نشان دادند بیمار مبتلا به دو بحران نابینایی و سرطان می‌تواند با کمک معنویت تلقی کند که این بحران‌ها یک امتحان الهی هستند.

اندیشیدن به مرگ و این تفکر که شاید مردن و زندگی فرصت و هدیه‌ای است که خدا دوباره به آن‌ها داده است، منجر می‌شود افراد آسیب‌دیده بیشتر به آخرت فکر کنند و سعی نمایند خود را برای حسابرسی اعمال آماده کنند. معلولیت و تبعات آن شاید باعث شود برخلاف بقیه تصادف‌های بدون عارضه طولانی‌مدت، کمتر فراموشی به سراغ این افراد بیاید و مرگ، آخرت و حسابرسی اعمال هیچ‌گاه از خاطرشان پاک نشود. تجربه نزدیک به مرگ و بازگشت دوباره به زندگی شاید باعث شود فرد حتی با اعتقادات معنوی ضعیف به زندگی و مرگ بیندیشد و در این ژرف‌اندیشی و معنایابی اعتقاد به معاد در او پررنگ شود. حیدرزاده (Heidarzadeh, 2014) نشان داد برخی از افراد مبتلا به سرطان که رشد پس از آسیب را طی کرده‌اند مرگ را در نزدیکی خود می‌بینند و خود را برای آن و زندگی بعدی آماده می‌کنند. در توضیح امیدبخش بودن آخرت می‌توان گفت فرد معلول سختی معلولیت را با این فکر که معاد در ادامه زندگی وجود دارد و دنیا فانی است راحت‌تر تحمل می‌کند. این تفکر ریشه عمیقی در باورهای دینی جامعه دارد. باور به جبران سختی‌های معلولیت، جبران صبر در برابر صلاح خدا در آخرت و اعتقاد به گذرا بودن دنیا از جمله مواردی است که به معلولین در این نمونه از پژوهش امید می‌دهد.

آلپورت (Alport) معتقد بود که شخصیت بالغ نیازمند فلسفه وحدت‌بخش درباره حیات و یک چارچوب داوری است که می‌تواند هدف پیش روی او قرار دهد موسوی و وطنخواه (Mousavi & Vatankhah, 2015). اعتقاد به وجود ارتباط بین اتفاقات و زندگی آدم‌ها می‌تواند به فرد آسیب‌دیده در تجزیه و تحلیل حادثه و اسناد دهی‌ها در رابطه با علت حادثه کمک کند. کالهون و تدسچی (Calhoun & Tedeschi, 1999) هم در توصیف افراد رشد یافته به وجود حس توحید و یکپارچگی اشاره کردند و گفتند این اعتقاد می‌تواند به فرد بحران‌زده امنیت منتقل کرده و در مقابل اضطراب از او محافظت کند. در تبیین اعتقاد به تأثیر اعمال (بد یا خوب) بر زندگی خود یا دیگران می‌توان گفت این اعتقاد به فرد احساس کنترل و مدیریت می‌دهد. همچنین درک معلولیت در قالب اثر و مؤثر به فرد معلول در مفهوم‌سازی و پذیرش معلولیت کمک می‌کند. در این ادراک، درک معلولیت و سختی‌های حاصل از آن به‌عنوان عامل رشد و پختگی، منجر می‌شود فرد معلول به معلولیت به‌عنوان یک اتفاق خوب بنگرد. در توضیح اعتقاد به قانون عمل و عکس‌العمل که شباهت‌هایی با دو مؤلفه قبلی بیان شده نیز دارد می‌توان گفت این اعتقاد از جمله اعتقاداتی است که در بستر دینی و فرهنگی جامعه مورد مطالعه شکل گرفته است. این اعتقاد جهان را برای افراد قابل پیش‌بینی، قابل تبیین و شاید قابل کنترل می‌کند و با فرضیه عادلانه بودن جهان که یک فرضیه بنیادی است همسو هست. همچنین پذیرش عدم درک برخی عمل و عکس‌العمل‌ها و متنوع بودن آن‌ها می‌تواند تنش حاصل از یک موقعیت مبهم و غیرقابل کنترل را کاهش دهد. فردی که تصادف کرده و نمی‌داند این عکس‌العمل نتیجه کدام عمل است و از طرفی به دنیای عادلانه و خدای عادل معتقد است با پذیرش این موضوع که او گاهی برخی مسائل را درک نمی‌کند تنش را کاهش داده و فرآیند رشد را تسریع می‌کند. اتو، بوس، دالبرت، اسشاپس و هایر (Otto, Boos, Dalbert, Schöps, & Hoyer, 2006) بیان کردند اعتقاد افراد به واکنش مثبت در نتیجه کنش مثبت و

واکنش منفی در نتیجه کنش منفی می‌تواند به هنگام مواجه شدن با یک بحران در توجیه موضوع به فرد دچار مصیبت کمک کند.

فرد آسیب‌دیده برای تبیین و درک معلولیت به تغییر چارچوب‌های شناختی و مفروضه‌ها پیشین می‌پردازد. تعریفی که جامعه و فرهنگ معلول از معلولیت دارد نیز بر این تغییر هویتی تأثیر می‌گذارد و روند آن را به سوی تغییر مثبت یا منفی سوق می‌دهد. تغییرات شخصیتی، رفتاری و تغییر در زندگی، ارتباطات و شغل خودبه‌خود هویتی جدید را شکل می‌دهد. زولنر و مرکر (Zoellner & Maercker, 2006) تغییر معنوی و فلسفی این افراد را تغییر کلی زندگی می‌دانند. تدسچی و کالهن (Tedeschi & Calhoun, 1999) هم به مقوله ظهور تغییر در کل هویت شخص معلول اشاره کردند. به مؤلفه خودنظارتی هم در برخی پژوهش‌ها مثل حیدرزاده (Heidarzadeh, 2014) اشاره شده است. مواجهه با مرگ، یادآوری آخرت و کوتاه بودن فرصت زندگی از یک سو و از طرف دیگر بحران هویتی پیش‌آمده برای معلول می‌تواند خودنظارتی را برای فرد پیش آورد. معلولی که احساس می‌کند زندگی ارزشمندتر از قبل است با حساسیت بیشتری آن را می‌گذراند و مورد نظارت قرار می‌دهد.

در یک جامعه اسلامی، خدا محور رشد است. همان‌طور که نمونه پژوهش حاضر در پژوهش بیان کرده‌اند بعد از حادثه تصادف و به خصوص بعد از گذر زمان و پذیرش معلولیت و طی دوران نقاهت به خدا نزدیک‌تر شده‌اند و رابطه‌شان با خدا هم از نظر کیفی و هم از نظر کمی تغییر کرده و رشد یافته است. در بافت فرهنگی و دینی جامعه مورد مطالعه خدا منبع آرامش و تسکین‌دهنده دردهاست و تنها گوش شنوایی است که هیچ‌وقت از دسترس آدمی خارج نمی‌شود. ایکویکس، مید، کرشاو، میلان، لوپس و اتیر (Ickovics, Meade, Kershaw, Milan, Lewis, & Ethir, 2006) طی مطالعه‌ای بر روی ۳۲۸ دختر نوجوان که دچار آسیب‌های متعدد شده بودند، نشان دادند این افراد آسیب دیده به خدا نزدیک شده‌اند. به علاوه، در مطالعه حاضر از مواردی تحت عنوان تسهیل گره‌های ارتباطی در رابطه خدا و معلول یاد شد و منظور شرایطی است که در زندگی برای معلول پیش آمده و موجب شده تا به خدا نزدیک‌تر شود و رابطه بهتر و عمیق‌تری با او برقرار کند. نیاز به خدا در سختی‌ها، تنهایی معلول و دیدن معجزات الهی از جمله این موارد هستند.

نتیجه‌گیری

این پژوهش درکی تازه از ابعاد رشد معنوی در افراد رشد یافته پس از آسیب در بافت فرهنگی و دینی ما فراهم نمود. رشد پس از آسیب فرآیندی است که فلسفه‌ای تازه برای زندگی معنوی پیش روی فرد قرار می‌دهد و منجر به تغییرات عمیق معنوی و اعتقادی در فرد آسیب دیده می‌شود. نتیجه این پژوهش نشان داد معلولیت در کنار محدودیت‌ها و مشکلاتی که برای فرد معلول ایجاد می‌کند، منجر به تغییرات و رشد معنوی در ابعاد مختلف می‌شود. معلولیت و فرآیند سازگاری با آن و سپس رشد پس از آسیب می‌تواند با تغییر در اعتقادات فرد در مورد هدفمندی آفرینش، وجود آخرت، عدالت و حکمت خدا،

وجود پیوستگی و نظم در جهان، تحکیم باور به خدا و تغییر کلی در شخصیت و اخلاقیات همراه شود. همچنین معلولیت با تغییری که در زندگی فرد آسیب دیده ایجاد می‌کند باعث می‌شود او بیشتر به خدا و ارتباط با او و معنویات گرایش پیدا کند و نتیجه این نزدیکی را در تمام ابعاد زندگی خود مشاهده کند. در واقع با دستیابی به این ۲۲ مؤلفه معنوی در افراد رشد یافته، بررسی فرآیند تغییرات معنوی و همچنین تسریع و ایجاد این فرآیند در افراد آسیب دیده تسهیل خواهد شد. با این وجود برای مشخص شدن ابعاد و جزئیات رشد پس از آسیب به تحقیقات کیفی و کمی بیشتری در جمعیت‌های آسیب دیده مختلف نیاز است. با توجه به اینکه پژوهش حاضر با روش کیفی انجام شده محدودیت‌های روش کیفی از جمله غیرممکن بودن حذف سوگیری مشاهده‌گر و عدم قابلیت تعمیم نتایج بر آن وارد است. در نهایت، پیشنهاد می‌شود مؤلفه‌های معنوی در افراد رشد یافته پس از آسیب در دو گروه مذهبی و غیرمذهبی انجام شود و مورد بررسی قرار گیرند.

سپاسگذاری

از انجمن حمایت از بیماران ضایعه نخاعی استان اصفهان و تمامی افراد شرکت‌کننده در این پژوهش که بدون چشم‌داشت و صادقانه با ما همکاری نمودند سپاسگزاریم.

References

- Allmon, A. L., Tallman, B. A., & Altmaier, E. M. (2013). Spiritual growth and decline among: Patients with cancer. *Oncology Nursing Society*, 40(6), 556-566.
- Ansari, M. (2007). *The prospect of crashes and ways out (Jun)*. Traffic culture seminar, Transportation and traffic department, Isfahan Municipality, Isfahan. (Persian)
- Beth Wardle, M., Dy-Liacco, G. S., Ciarrocchi, J. W., Wicks, R. J., & Breslford, G. M. (2014). The unique role of spirituality in the process of growth following stress and trauma. *Pastoral Psychol*, 63, 53-71.
- Calhoun, L. G., & Tedeschi, R. G. (1999). Facilitating posttraumatic growth: A clinician's guide. London, UK: publications *Routledge*.
- Christopher, M. (2004). A broader view of trauma: A biopsychosocial evolutionary view of the role of the traumatic stress response in the emergence of pathology and/or growth. *Clinical Psychology Review*, 24 (1), 75-98.
- Fathiazar, E., Golparvar, F., Mirnasab, M., & Vahedi, S. (2016). *Phenomenological study of behavioral problems in high school students: Social-emotional and academic challenges*. Biannual Journal of Applied Counseling, 6(2), 53-72.

- Garlick, M., Wall, K., Corwin, D., & Koopman, C. (2011). Psycho-spiritual integrative therapy for women with primary breast cancer. *Journal of Clinical Psychology in Medical Settings*, 18(1), 78-90.
- Gorji, A. (2014). Ministry of roads and urban development. Ministry of roads News. Retrieved from: [http://news.mrud.ir/news/4462_\(5/10/2016\)](http://news.mrud.ir/news/4462_(5/10/2016)) (Persian)
- Grisp, B. R. (2008). Social work and spirituality in a secular society. *Journal of Social Work*, 8(4), 123-130.
- Hassan Nia, S. (2014). *Psychological consequences of driving disasters in the family of victims*. PhD thesis, Allameh Tabataba'i University, Faculty of Educational Science. (Persian)
- Heidarzadeh, M. (2014). *The development of the concept of post-traumatic growth in cancer patients with a combination of research*, PhD thesis, Shahid Beheshti University of Medical Sciences. (Persian)
- Heidarzadeh, M., Rassouli, M., Mohammadi Shahbolaghi, F., Alavi Majd, H., Mirzaee, H., & Tahmasbi, M. (2015). Validation of the Persian version of the posttraumatic growth inventory in patients with cancer. *Journal of the Iranian Institute for Health Sciences Research*, 14(4), 467-473. (Persian)
- Joseph, S., & Butler, L. D. (2010). Positive changes following adversity. *PTSD Research Quarterly*, 12(9), 1-8.
- Karimi Nik, A. (2013). Growth in accidents in the recent decade 2013. Mehr News Agency 2016. Retrieved from: [http://www.mehrnews.com/news/2167005\(10/11/2016\)](http://www.mehrnews.com/news/2167005(10/11/2016)). (Persian)
- Karimi, A. (2004). *Mental psychotherapy; Therapeutic love*. First Edition. Tehran: Denjeh. (Persian)
- Kaviani, M. (2013). *Islamic lifestyle and its measurement tool*. Tehran: Howzeh and University Research Center. (Persian)
- Krumrei, E. J., Mahoney, A., & Pargament, K. I. (2009). Divorce and the Divine: The Role of Spirituality in Adjustment to Divorce. *Journal of Marriage and Family*, 71(2), 373-383.
- Merecz, D., Waszkowska, M., & Wezyk, A. (2012). Psychological consequences of trauma in MVA perpetrators Relationship between post-traumatic growth, PTSD symptoms and individual characteristics. *Transportation Research Part F: Traffic Psychology and Behaviour*, 15(5), 565-574.
- Morris, B.A., Shakespeare-Finch, J., & Scott, J. L. (2012). Posttraumatic growth after cancer: the important of health-related benefits and compassion for others. *Supportive Care in Cancer*, 20(4), 749-756.
- Mousavi, V., & Vatankhah, M. (2015). [Prediction of posttraumatic growth through religion, meaning of life and social support in female breast cancer](#). *Achievements of Clinical Psychology*, 1(3), 33-48.
- Newberry Brooks, K. (2012). *The lived experience of post traumatic growth and the influence of spirituality*, PhD thesis, Argosy University.
- Otto, K., Boos, A., Dalbert, C., Schöps, D., & Hoyer, J. (2006). Posttraumatic symptoms, depression, and anxiety of flood victims: The impact of the belief in a just world. *Personality and Individual Differences*, 40(5), 1075-1084.

- Paden, M. (2004). World report on road traffic injury prevention. World Health Organization Geneva. Retrieved 28 Oct 2016 from http://cdrwww.who.int/violence_injury_prevention/publications/road_traffic/world_report/intro.pdf
- Park, C. L., & Helgeson, V.S. (2006). Introduction to the special section: growth following highly stressful life events – current status and future directions. *Journal of Consulting and Clinical Psychology, 74*(5), 791-796.
- Peterson, C., Park, N., Pole, N., Andrea, W. D., & Seligman, M. E. P. (2008). Strengths of Character and Posttraumatic Growth. *Journal of Traumatic Stress, 21* (2), 214-217.
- Rahmani, A., Mohammadian, R., Ferguson, C., Golizade, L., Zirak, M., & Chavoshi, H. (2012). Posttraumatic growth in Iranian cancer patients. *Indian Journal of Cancer, 49*(3), 287-292.
- Rahmanian, M., Moein Samadani, M., & Oraki, M. (2017). *Effect of group spirituality therapy on hope of life and life style improvement of breast cancer patients*. Biannual Journal of Applied Counseling, 7(1), 101-114.
- Samaram, E., Hezarjaribi, J., Fadakar, M., Karami, M., & Shamsaee, M. (2013). Spiritual health; framework, scope and components based on the teachings of Islam. *Social Development and Welfare Planning, 14*, 1-24. (Persian)
- Seyed bagheri, S. H., Dehghan, M., Alavi, S. H., Iranmanesh, S., & Khoshab, H. (2017). Burst out of the dead land by the help of spirituality: A case study of living with blindness and cancer. *J Relig Health* 2017, 56, 896–906. (Persian)
- Shahbazirad, A., Sepahvandi, M., & Radmehr, P. (2014). The relationship between spiritual experience and its components with resilience in students of Razi University. *Religion and Health, 2*(2), 10-18. (Persian)
- Shakespeare-Finch, J., & Lurie-Beck, J. (2014). A meta-analytic clarification of the relationship between posttraumatic growth and symptoms of posttraumatic distress disorder. *Journal of Anxiety Disorders, 28* (2), 223-229.
- Shamkoeyan, L., Lotfi Kashani, F., Vaziri, S., & Akbari, M. (2014). The Relations of perceived social support and religious beliefs with the traumatic growth in cancer patients. *Developmental Psychology: Iranian Psychologists, 10*(39), 285-295. (Persian)
- Steele, W., & Kuban, C. (2011). Trauma-informed resilience and posttraumatic growth (PTG). *Reclaiming Children & Youth, 20*(3), 44-50.
- Strauss, A., & Corbin, J. (1990). *Principles of qualitative research, Techniques and phases of grounded theory production*, translator Afshar, E (1391). Tehran: Ney. (Persian)
- Symonds, L. L., Yang, L., Mande, M. M., Mande, L. A., Blow, A. J., Osuch, J. R., Smith, S. S. (2011). Using pictures to evoke spiritual feelings in breast cancer patients: Development of a new paradigm for neuroimaging studies. *Journal of Religion and Health, 50*(2), 437-446.
- Talebzade Shoshtari, L., Monadi, M., Khademi Ashkezari, M., & Khamesan, A. (2016). *Identifying students' meaning in life: A phenomenological study*. Biannual Journal of Applied Counseling, 6(1), 59-76.

- Tedeschi, R. G., & Calhoun, L. G. (1996). The Posttraumatic growth inventory: Measuring the positive legacy of trauma. *Journal of Traumatic Stress, 9*(3), 455- 471.
- Tedeschi, R.G., & Calhoun, L.G. (2004). Posttraumatic growth: Conceptual foundations and empirical evidence. *Psychological Inquiry, 15*(1), 1-18.
- Teodorescu, BD., siqveland, J., Heir, T., Hauff, E., Wentztl-larsen, T., & lien, L. (2012). Posttraumatic growth, depressive symptom, posttraumatic stress symptoms, post-migration stressors and quality of life in multitraumatized psychiatric outpatients with a refugee background in Norway. *Health and Quality of Life Outcomes, 53*, 1-16.
- Walker, L. (2000). *The relationship of posttraumatic growth to spiritual beliefs in distance education gaduate student*, PhD thesis, Minnesota: Capella University.
- Zargham Hajebi, M. (2009). Contraceptive effects of trauma: a conceptual review. *Andisheh va Raftar, 3*(11), 7-22. (Persian)
- Zoellner, T., & Maercker, A. (2006). Posttraumatic growth in clinical psychology: A critical review and introduction of a two component model. *Clinical Psychology Review, 26*, 626-653.

